

## تحلیل و هشدار نهضت آزادی ایران

### بمناسبت فاجعه جانگداز عاشورای حسینی در حرم مطهر رضوی

لاخیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح  
بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه اجرا  
عظیما<sup>۱</sup>

حادثه عظیم و جنایت هولناک سی خرداد ماه ۱۳۷۳ که منجر به آسیب دیدن و هتک حرمت حرم حضرت ثامن الائمه علیه الصلوه والسلام و کشته شدن بیست و چند نفر، مصدوم شدن تعداد بیشتر و وحشت گروه کثیری از زائران گردید، مصیبت بزرگی برای همه ایرانیان و هر مسلمان و انسان با وجدان به بار آورد. مصیبتی جانسوزتر و نگرانی‌آورتر از آن که نهضت آزادی ایران بتواند حق آن را ادا نماید یا دل خود را به نثار دشنام و نفرین برای عاملان فرضی یا واقعی و تسلیت‌گویی به ماتمزدگان تسلیت داده، به دنبال تحلیل قضیه و چاره‌جویی بلیه نرود.

سئوالی که در وهله نخست مطرح می‌شود این است که چرا مسئولان و مأموران وزارتخانه‌های اطلاعات و کشور و نهادهایی که مسئول امنیت کشورند با وجود تشکیلات و امکانات مفصل نتوانسته‌اند علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند. آیا مسئولیت آنان باید منحصر به کنترل و ایذای مخالفان سیاسی و دگراندیشان داخلی باشد؟

از آنجا که هنوز تحلیل دقیق حادثه و تشخیص قطعی عاملان و مقصران انجام نیافته و معلوم نشده است که چاره قطعی کار چیست، نهضت آزادی ایران بهتر آن دانست که پا از محدوده زمانی و مکانی فاجعه فراتر نهد، با دید وسیعتر و بیطرفانه - که خواه ناخواه خود فاجعه را نیز در برمی‌گیرد - قضیه را مورد بررسی قرار دهد و تا آنجا که شنونده و مخاطبی داشته باشد، بخواست خدا هشدار به دست‌اندرکاران ایران و گردانندگان سیاست‌های بین‌المللی بدهد، بدون آن که خواسته باشد گزارش‌ها، تحلیل‌ها و تشخیص‌های مقامات رسمی را مورد بحث و ارزیابی و عملیات و عوامل نزدیک و مخصوص این فاجعه را در معرض بررسی و قضاوت قرار دهد.

ما می‌خواهیم برای یکبار هم که شده سنت تحلیل‌گری انقلابی و برنامه تبلیغاتی دولتی را کنار بگذاریم، برنامه‌ای که جز قرقره کردن دشنام‌ها و نفرین‌ها و هزار بار اثبات و اعلام بداندیشی‌ها و بدکرداری‌های دیگران و مظلوم و معصوم دانستن خودمان نیست و حاصلی جز پاشیدن تخم یأس و بی‌اثری، همراه با

---

۱. نساء / ۱۱۴ - هیچ فایده و خیری در سخنان سرئی آنها نیست مگر آنکه کسی در صدقه دادن و نیکی کردن و اصلاح میان مردم طبق مصلحت سخن سرئی گوید و هر که این کار در طلب رضای خدا کند، به زودی خدا به او اجر عظیم کرامت فرماید.

نفرت‌انگیزی و مرگ خواهی ندارد. مسمط ملال آور «دلبر جانان» شاعران کهنه‌پرداز را که اینک به صورت زیر در آمده است به سازمان صدا و سیما وامی‌گذاریم:

دشمن خونخوار من برده دل و مال من      برده دل و مال من دشمن خونخوار من

و پیشنهاد می‌کنیم که با اندیشه واقع‌بینانه، انسان‌دوستانه و در مقیاس جهانی، عینیت همه‌جانبه رویداد و عوامل عمیق و عواقب وسیع آن را به نقد و تحلیل بگذاریم. باشد که دل‌ها و دیده‌ها و دست‌ها و گام‌هایی به حرکت افتد و خداوند رحمان وعده «انْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَنْبِتْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>۱</sup> را تحقق بخشیده، دریچه‌های نجات و سعادت را بر روی همگان بگشاید.

\* \* \*

تاریخ معاصر شرق و غرب شاهد تکرار و تشدید روز افزون کشتارها و ویرانگری‌ها و یا فتنه‌ها و فسادهایی است که در بیرحمی، قساوت، خصومت و خشونت - صرف‌نظر از افزایش خارق‌العاده قدرت سلاح‌های نوین - در تاریخ بشریت تا دو قرن پیش بی‌سابقه می‌باشد.

شواهد مثال یکی و دو تا نیست. نزدیکتر و حاضر در ذهن مانده‌تر از همه، فجایع و درنده‌خوئی‌های صرب‌هاست که در بوسنی و هرزگوین بر سر مردان و زنان و کودکان مسلمان می‌آید و نظیر آن‌ها در جنگ‌های صلیبی و نه در برخوردهای سیاسی و مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان، حتی در کشورگشایی‌های عثمانیان، دیده نشده است، در حالی که غربیان مدعی دفاع از انسانیت و حقوق بشر با خونسردی تمام - اگر نگوییم با خوشحالی و همدستی - نظاره‌گر قضایا هستند و حضرت پاپ، نماینده آیین عفو و رأفت عیسای مسیح، دلش نمی‌لرزد و تکانی نمی‌خورد. تجاوزات بیرحمانه و طمع‌کارانه اسرائیل به سرزمین‌های اعراب و آواره کردن میلیون‌ها فلسطینی در سایه حمایت اروپا و امریکا با قتل‌عام‌های وحشیانه در چند دهه اخیر که تلافی‌گریها و انتقام‌جویی‌های متقابل را باعث شده است، شاهد مثال دیگر مسئله می‌باشد. خود مسیحیان و از جمله ایرلندی‌های استقلال‌طلب و انگلیسی‌های پایه‌گذار پارلمان‌تاریسم نیز از این ناامنی‌ها و بمب‌گذاری‌ها مستثنی و برکنار نیستند.

در میان مسلمانان همسایه نیز برادرکشی و لجبازی در صفوف افراد هم‌مذهب و هم‌سنگر در مبارزه علیه بیگانگان، آبروی اسلام و مسلمانان را بر باد می‌دهد و با هیچ بیانی جز عناد با خدا و تبعیت از شیطان قابل توجیه نیست. از همین قرار است منازعات دلخراش دولتیان حاکم و مسلمانان صاحب اکثریت مبارز در مصر و الجزایر که در مجموع بدتر از جنگها و جدال‌های بین سنی و شیعه در قدیم است.

در کشور خودمان و در انقلاب اسماً اسلامی خودمان که اکثریت و رهبری با شیعیان مولای متقیان و شیفتگان سرور آزادگان است چه انحراف‌ها و عنادها که روی نداد و چه آرمان‌های وحدت و آزادی برای نجات و سازندگی با شعار عمومی «همه با هم» که به دشمنی و انحصارگری «همه با من» تبدیل نشد! مشت‌های گره کرده و فریادهای مرگ‌خواهی و نابودی‌طلبی که شیوه‌ها و شعارهای آموخته در مکتب مارکسیسم است با کلمه طیبه ضدشخص‌پرستی لاله‌الله و صلوات بر رسول خدا قرین گشت. ما با سردادن شعار و برداشتن گام‌های نمایشی برای رفع فتنه از عالم، هم خودمان را در مظان اتهام قرار دادیم و هم آب به

۱. محمد / ۷ - (ای اهل ایمان) اگر شما خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند.

آسیاب اسلام‌ستیزان و مبلغان و منادیان خطر موهوم اسلام (اسلام فوبیا) ریختیم. امروزه جمهوری اسلامی ایران متهم به قهرمانی تروریسم، ستیزه‌گری و سنگ‌اندازی علیه امنیت جهانی و صلح و سازش شده است. از چهره‌های دیگر بی‌سابقه یا کم‌سابقه ناامنی و وحشیگری، «جنگ معابد» یا «جنگ نیایش» است که در میان پیروان مذاهب گوناگون در هندوستان آغاز گردیده و بعد از انقلاب اسلامی ایران شدت بیشتری علیه مساجد مسلمانان یافته است.

همچنین شاهد بودیم که مهمان‌سرای نیایش و آرامش ابراهیمی در ماه‌های محرم و در زمان «لَارْفَتْ وَ لَأُفْسَوْقٌ وَ لَأَجِدَالٌ فِي الْحِجِّ»<sup>۱</sup> که حتی به پشه‌گزنده هم نباید آزار رساند و لیبیک اجابت جز به خدای لاشریک به احدی نگفت، چگونه نمایشگاه زد و خورد مسلمانان گردید. در مسجد خلیل‌الرحمن، اسرائیل، بدخواه دیرینه اسلام و مؤمنان، نمازگزاران را به رگبار مسلسل می‌بندد، در افغانستان و پاکستان وهابیان و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) از کشتار شیعیان به هر بهانه‌ای دریغ ندارند و در جای دیگری تخریب مسجد برادران اهل سنت و سپس واکنش‌های خونین علیه معترضان و بالاخره بمب‌گذاری در حرم حضرت رضاع) فاجعه می‌آفریند.

به تاریخ که می‌نگریم، اسلام و مسلمانان - پس از بعثت پیامبر بزرگوارشان - غالباً در معرض انکار و آزار مشرکان و معاندان اهل کتاب بوده‌اند ولی هیچگاه وسعت و شدت آن مانند زمان حاضر نبوده است، در حالی که بسیاری از دانشمندان و متفکران با انصاف غرب شهادت به حقانیت و کرامت اسلام داده‌اند و در طول قرون، علیرغم ستم‌گریها و اتهامات، بر تعداد پژوهندگان و گروندگان آنان و بر میزان اخلاص‌شان افزوده شده است.

البته زندگی آدمی بر روی کره خاک هیچگاه خالی از خونریزی و ویرانگری نبوده، فتنه و فساد سکه رایج همه عصرها و اقلیم‌ها بوده است. در قرآن کریم می‌خوانیم که در دوران‌های دور و شاید میلیاردها سال قبل از آفرینش انسان، وقتی فرشتگان از تصمیم الهی برای آفرینش آدم آگاه می‌شوند به شگفتی آمده، از خداوند سبحان رمز خلقت موجوداتی را که در زمین فساد و خونریزی به‌پا خواهند کرد می‌پرسند. افتتاح‌کننده این ماجرا هم بگفته قرآن دو فرزند آدم بوده‌اند. در آن زمان نه از استکبار و الحاد جهانی و نه از اختلاف طبقاتی خبر و نشانی بود بلکه یک عامل درونی و انسانی یعنی حسادت عامل قتل یک انسان به دست برادرش شد.

این واقعیت را همه می‌دانیم که دشمنی‌ها، کینه‌ورزی‌ها، جنگ‌ها و جدال‌هایی که به نام مذهب در دنیا صورت گرفته است به احتمال قوی بیش از درگیری‌ها و ستیزه‌گری‌ها بر سر حکومت و مالکیت بوده است. اما دل آدمی چنین است که هم به خیر و هم به شر گرایش دارد و در برابر خصلت‌های شیطانی آدمیزاد، هم عواطف انسانی و غرایز میراث دوران حیوانی او را به سوی رحم و شفقت و خدمت می‌کشاند است و هم پیامبران و آیین‌های الهی دائماً او را از اختلاف و آزار منع نموده، دعوت به گذشت و محبت و ایثار می‌کرده‌اند. از آنجا که مسئله مورد بحث تا حدود زیادی مسئله اسلام و مسلمانان در اختلاف و جدال با سایر مذاهب و ملت‌هاست، در این باره استناد به متون و معارف دینی می‌کنیم.

امام باقر(ع) فرموده است: هل الدین الا المحبه<sup>۲</sup> و قرآن، در آیات متعدد و مفصل، یکی از مقاصد بعثت

۱. بقره / ۱۹۷ - در حج روابط زناشویی، کار خلاف شرع و جدال ممنوع است.

۲. آیا دین چیزی جز محبت است؟

رسولان را حل اختلافات امت‌ها بر سر بندگی خدا و جلوگیری از نزاع و خونریزی برشمرده است. هم در ده فرمان حضرت موسی(ع) توصیه به دوست داشتن همسایه شده است و هم تعلیمات حضرت مسیح(ع) عنایت اصلی خود را به بخشش، رحمت و رأفت درباره دوست و دشمن معطوف کرده است.

در دوران مکه، پیش از آنکه تازه مسلمانان با کلیمیان و مسیحیان (یهود و نصاری) روبرو شوند، قرآن به مسلمانان هشدار داد که به زودی از ناحیه مشرکان و اهل کتاب آزارها خواهند دید و اگر بردباری و پرهیزگاری (تقوا) پیشه کنند به سودشان خواهد بود. در دوران مدینه نیز قرآن مکرراً به مسلمانان تأکید می‌کرد که در رابطه با اهل کتاب، تفاخر و تفرقه‌افکنی آنان را با تذکر دادن و تکیه کردن بر مشترکات ایمانی و وحدت مسیر و مقصد پاسخ داده، بگویند «ما به آنچه بر خودمان و بر شما نازل شده است ایمان آورده‌ایم، خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم‌شدگان به او هستیم»<sup>۱</sup>. آخرین پیام قرآن دعوت اهل کتاب به همکاری و همزیستی در سایه پرستش خدای یگانه و خودداری از ارباب و سرور گرفتن یکدیگر است.<sup>۲</sup> از همه اینها معنی‌دارتر و آخرین وصیت پیامبر بزرگوار اسلام و قرآن کریم به امت اسلامی، علاوه بر احتراز از انتقام‌گیری و تعدی به دشمنان، پیشه گرفتن عدالت و تقوا و همیاری و همکاری با آنان در نیکی و پرهیزگاری به جای بدی و دشمنی است.

«ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده گواه عدالت و راستی و درستی باشید و شما را عداوت گروهی بر آن ندارد که از طریق عدل بیرون روید، عدالت کنید که عدل به تقوی نزدیکتر از هر عمل است و از خدا بترسید که خدا البته به هر چه می‌کنید آگاه است.

...و عداوت گروهی که از مسجد حرام منعان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکند و شما باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید، نه بر گناه و ستم‌کاری و از خداوند بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.»<sup>۳</sup>

### قرآن کجا و عمل ما مسلمانان کجا؟

نه تنها ادیان توحیدی بلکه معلمان بشری و بزرگان اخلاق و انسانیت در تمام اعصار و در میان تمام اقوام، اصرار بر دوستی و یاری و ترجیح صلح و صفا بر کینه و انتقام کرده‌اند. اریک فروم، روانشناس اجتماعی معروف معاصر، که رشد و رفاه جوامع متمدن را وجهه همت و آموزش‌های خود قرار داده است و نسبت به ادیان بی‌طرف می‌باشد، در کتاب‌های خود مانند «روانکاوی و دین» یا «دل آدمی»، ادیان الهی و دنیایی را به دو دسته نوع‌خواهانه یا انسان‌گرایانه و خودکامه تقسیم می‌کند. ادیان توحیدی (یا به اصلاح ما

---

۱. عنکبوت / ۴۶ - و لاجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد و نحن له مسلمون

۲. آل عمران / ۶۴ - قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد و لانشرک به شیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا باناً مسلمون

۳. مائده / ۸ - یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لاجرمکم شئنان قوم علی الا تعدلوا اعدلو هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعلمون

مائده / ۲ - ... و لاجرمکم شئنان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب

مسلمانان، ادیان ابراهیمی) عموماً و اصولاً انسان‌گرایند. از نظر این ادیان، انسان موجودی ذاتاً ضعیف و زبون نیست که در برابر خداوند قادر کورکورانه و از سر لاعلاجی تسلیم شود، بلکه انسان صاحب فکر و قدرت تفکر و اختیار و اراده برای انتخاب می‌باشد. او مختار است که خدا را بپذیرد یا نپذیرد.

انسان‌گرایی به خیر و شر دارد، ولی به هر حال اوست که باید انتخاب کند. در ادیان خودکامه - که نظام‌های دنیوی خودکامه بر اساس این نوع ادیان و جهان‌بینی‌ها استوار است - انسان مسلوب‌الاختیار شناخته می‌شود و خدا اختیاردار مطلق بوده، اراده‌اش استبدادی است. رهبران، نهادها و نمایندگان ادیان خودکامه با ادعای نیابت و جانشینی خداوند در میان انسان‌ها، اطاعت و تبعیت مطلق و کورکورانه مردم را می‌طلبند. بر همین پایه، پادشاه صاحب فرّ ایزدی است و سلطان سایه خدا و پاپ سخنگوی خداوند در زمین. هیئتها، موسولینی‌ها و استالین‌ها نیز هر یک به نوعی خداوند و نماینده یکی از جهان‌بینی‌ها و ادیان خودکامه بوده‌اند. اما از دیدگاه ادیان نوع‌خواهانه و انسان‌گرا، نوع آدم جانشین خداوند است و امر او به خودش واگذار شده است. فروم معتقد است که تنها راه جلوگیری از انحرافات، ظلم‌ها، ستم‌ها و حتی خرافات دینی باز کردن راه برای ادیان نوع‌خواهانه است.

بدیهی است که چنین پندارها، گفتارها و کردارها از ناحیه ادیان و انسان‌دوستان و پایبندی نسبی اقوام به مذاهب و عواطف باعث تعدیل و توقف جنگ‌ها و درنده‌خوییها در میان متدین‌ها شده است و خرابی‌ها و قتل‌عامها غالباً در حمله و هجوم قبایل وحشی صورت می‌گرفته است.

در قرون ۱۹ و ۲۰ بعد از رنسانس اروپا، با پیشرفت چشمگیر تمدن و اکتشافات علمی و با رشد و تحول بشریت، رفته رفته عقل و علم حاکمیت عقاید و عواطف را کنار زدند. زندگی و دنیا که ملموس و مطبوع آدمی و حاضر در اذهان و افکار است، و دنیاپرستی و دنیا‌سازی جایگزین خداپرستی و آخرت‌جویی گردید؛ دنیا‌سازی نه الزاماً به منظور عیش و عشرت از نوع قدیم و تسلط افراد معدود بر انبوه ملت‌ها و مردمان بلکه به مفهوم تمتع معقول و ایجاد تمدن درخشان همراه با تدبیر و تلاش در راه سلامت و امنیت و عدالت. ملتها و جماعات بشری می‌بایستی در سایه عقل و علم و با کار و کوشش صحیح، نیازها و خواسته‌های فردی و اجتماعی و نیز ارزشها و اهداف زندگی را تعیین نمایند. مکتب‌ها، فلسفه‌ها، ایدئولوژی‌ها و انواع ایسم‌ها یکی پس از دیگری از طرف دانشمندان، متفکران و رهبران مطرح و عرضه گردید که از جمله می‌توان از ناتورالیسم، پوزیتیویسم، ناسیونالیسم، سیانتیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و بالاخره مارکسیسم با جهان‌بینی ماتریالیسم دیالکتیک و پیام‌آور تضاد و تخاصم و تخریب نام برد.

هدف مشترک و برنامه ادعایی همه مکتب‌ها تامین عدالت، رفاه و ترقی انسان‌ها، حل مسائل زندگی و رفع مشکلات و موانع آن در برابر طبیعت و انسان‌های دیگر بود و هر یک به گونه‌ای می‌خواستند از حقوق ملت‌ها و طبقات محروم و مظلوم در برابر افراد یا طبقات حاکم دفاع کنند.

در مکتب مارکسیسم، این برنامه می‌بایستی از دیدگاه تضاد اصولی (بین تز و آنتی‌تز) و تخاصم تند و از طریق تخریب و انقلاب برای از بین بردن حریف اجرا گردد، بدون دادن امکان یا اجازه کمترین تفاهم، تساهل و تحمل یا امید به اصلاح و سازش و انتظار آینده یا فرجام جبران‌کننده، یعنی درست برخلاف مرام و منطق ادیان الهی و فطرت خوش‌بینی و نیکنیازی انسان.

بر اثر دوران‌های متوالی ستمگری صاحبان قدرت و ثروت و بی‌عدالتی‌ها و اختلافات طبقاتی حاکم بر

جوامع، روحیه نارضایتی و عداوت و بدبینی در بسیاری از افکار، چه در کشورهای تحت استعمار و عقب افتاده و چه در بین قشرهای روشنفکر و جوان و محروم کشورهای سلطه‌گر و پیشرفته، رسوخ کرده بود. به دلیل منطق ظاهراً قوی و تبلیغات نافذ کمونیست‌ها، طرز تفکر فلسفی و شعارهای تخاصم و تخریب مارکس طرفداران بی‌شماری در همه جا پیدا کرده، روز به روز گسترش می‌یافت و در ایران، علاوه بر زیر دست‌شدگان عقده‌دار و جوانان و روشنفکران غیر متدین، در قشرهای متدین ناراضی و حتی در میان طلاب حوزه‌های علمی و علمای مبارز رسوخ کرده بود، به طوری که حتی فروپاشی شوروی نیز تاثیر زیادی در تعدیل افکار و یا انصراف از آن نوع چپ‌گرایی یا بدبینی و بدخواهی به وجود نیاورده است. کاملاً بی‌انصافی خواهد بود اگر نقش موثر چپی‌ها را با گرایش‌های تضاد و تخاصم یا انتقام و انهدام و با سوابق مبارزاتی و سازماندهی، در پیروزی انقلاب و در افکار رهبران نادیده بگیریم. پس از پیروزی انقلاب، بسیاری از گردانندگان انقلاب و جمهوری اسلامی فکر می‌کردند که اگر انقلاب و نظام خواسته‌ها و برنامه‌های چپی‌ها را تندتر از آنها اجرا نکنند نیروهای ارزنده جوان به اردوهای مخالف کشیده خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران با موضع‌گیریهای خصمانه علیه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داری غرب و مطرح کردن شعارهای قاطعانه براندازی آنها و نیز پشتیبانی و تحریک مبارزات و گرایش‌های موجود در ملت‌های مسلمان علیه آنان عملاً و ناخودآگاه آب به آسیاب تقابل جهانی میان امپریالیسم و مارکسیسم می‌ریخت و از این دیدگاه، اسلام به گونه‌ای در خدمت مارکسیسم قرار گرفته بود.

از سوی دیگر، پیروزی چشم‌گیر انقلاب اسلامی ایران علیه کهن‌ترین استبداد شاهنشاهی و درافتادن جسورانه رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با امریکای جهان‌مدار، جرات بی‌سابقه و حرکت‌های خروشان در میان مسلمانان تحت سلطه یا استعمار دنیا به وجود آورده، همگی خواهان احراز شخصیت و استقلال و استیفای حقوق پایمال شده خود شدند. اگر انقلاب اسلامی ما برای تحقق آرمان‌های اصلی و اولیه‌اش یعنی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی و نیز جنبش‌های حق‌طلبانه ملت‌های مسلمان به پیروی از قیام رسول خدا(ص) و راه مؤمنان اولیه و بر طبق برنامه‌های القا شده از سوی خداوند رحمان پیش می‌رفت و ستیزه‌گری یا اندیشه‌های متخاصم و تخریب بر آنها سیطره نمی‌داشت، امید می‌رفت که این مبارزات منتهی به موفقیت و سلامت همگان گردد و با ندادن بهانه به دست دشمنان توطئه‌گر، چون اسرائیل، از هر طرف جبهه‌های خشونت و خصومت علیه اسلام و مسلمانان گشوده نشود و اسلام مساوی تروریسم و به عنوان «خطر جهانی» معرفی نگردد.

در طلایع انقلاب، ملت ما و مردم جهان در بسیاری از کشورهای شرق و غرب چشم امید به انقلاب ایران دوخته و دل بدان بسته بودند. خبرنگاران و پژوهشگران تشنه نجات که از شرق و غرب اروپا و امریکا به ایران می‌آمدند خاطرات تحسین و امید به نجات به ارمغان می‌بردند و در کتاب‌ها و نشریات منعکس می‌کردند. اما متأسفانه با تحول‌های بعدی و انحراف‌هایی که رخ داد تخم‌های ناامیدی و بدبینی و ستیزه‌جویی در داخل و خارج پاشیده شد و اینک کار به جایی رسیده است که باید دائماً ناظر خون‌ریزی‌ها، خرابی‌ها، وحشی‌گری‌ها و بمب‌گذاری‌ها و شدیداً نگران آینده باشیم.

در کشور خودمان بارها شاهد بودیم که هر زمان که توجهاتی از سوی مقامات به ایجاد آرامش می‌شد و می‌رفت که امید و احتمال برقراری آرامش و سازش در اوضاع و افکار پدید آید حوادث شوم و

تکان دهنده‌ای در مرکز یا در گوشه‌ای از میهن عزیزمان رخ می‌داد. دست‌هایی در کار بود (و هست) که مجدداً جو اضطراب و کینه‌توزی و خصومت ایجاد کرده، مانع سازندگی و اصلاح شود.

قبل از فاجعه اخیر هم شنیده می‌شد که امکاناتی برای ایجاد تفاهم و تقارب بین جمهوری اسلامی ایران و همکیشان عرب و راه‌هایی برای تخفیف اختلافات و خصومت‌های غرب پیدا شده است که ناگهان بمب در حرم اما رضاع) به صدا درآمد.

\* \* \*

آنچه به اختصار گفته شد تصویری از وضع حاضر ناامنی جهان و خودمان در چنگال شیطان‌های انس و جان بود. متأسفانه بوی بهبود فوری به مشام نمی‌رسد و نگرانی نسبت به آینده روز به روز شدیدتر می‌شود. اگر اقدام عمومی و جمعی صورت نگیرد و تغییر محسوس در اندیشه‌ها، روحیه‌ها و روش‌های مان ندهیم نمی‌توانیم امید و انتظار وضع بهتری را داشته باشیم. تا زمانی که قصد و قرار بر تضاد، تخاصم، تخریب و براندازی باشد، مسلماً به جایی و به چیزی جز ادامه و تشدید جریان‌های گذشته نخواهیم رسید و تا هنگامی که ما و طرف‌های ما تغییری در خودمان و مقاصد و مسیرهایمان ندهیم، گرداننده جهان - که نامش را خواه خدا بگذاریم و خواه جبر تاریخ و قانونمندی طبیعت - به حکم «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> تغییری در حال و روزمان نخواهد داد.

\* \* \*

از آنجا که اکثریت مردم ایران پیرو قرآن‌اند و حکومت و نظامان و ادعاهای مقاماتمان نیز اسلامی و قرآنی است، ما بهتر آن می‌بینیم که با منطق قرآن سخن بگوییم و راه‌حل‌های اسلامی و قرآنی را جستجو و مطرح نماییم، بدون آن‌که عقل آزاد و اندیشه علمی و عملی را انکار یا فراموش کنیم. اگر دیگران راه‌های بهتر و آسان‌تر را سراغ دارند و به کار می‌برند با رغبت و منت پذیرا خواهیم بود. به نظر ما خداوند عزیز حکیم یا توانمند خرمندی که در کتابش دلالت‌ها و سفارش‌های زیر را به عالمیان می‌نماید، کلامش کاملاً جدی است و (نعوذ بالله) قصد شوخی و شعربافی نداشته است و لذا جا دارد که در آن دقت و تدبر کنیم:

در آیه ۱۱۴ سوره نساء (که در صدر مقال آمده است):

لاخیر فی کثیر من نجویم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیة اجرا عظیمًا

در آیه ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت:

و لا تستوی الحسنه و لا السیئه ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة کأنته ولی حمیم و یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیها الا ذو حظ عظیم<sup>۲</sup>

در آیه ۸ سوره مائده (که قبلاً ذکر شد):

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله بالقسط و لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی

۱. رعد / ۱۱ - همانا خدا وضعیت هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

۲. هرگز نیکی و بدی یکسان نیستند. بدی را به بهترین شیوه از خود دفع کن تا آن کس که میانتان دشمنی است، دوست صمیمی تو گردد. ولیکن به این مقام بلند نمی‌رسند جز این کسانی که صبر پیشه نمایند و به این مقام نمی‌رسند جز صاحبان بهره عظیم (از اراده و شخصیت)

و اتَّقُوا اللَّهَ ان الله خبيرٌ بما تعلمون

در آیه ۴ مائده (که قبلاً ذکر شد):

... و لایجرمنکم شننان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب

\* \* \*

### پیشنهادهای ما

بر اساس نقد و تحلیل عمومی که به نظرمان می‌رسد و فوقاً بیان کردیم پیشنهاد کلی ما به ملت و دولت ایران به ویژه به مقامات هیئت حاکمه این است که:

بدون کمترین گذشت و انصراف از حقوق و حیثیت و استقلال ملت ایران و بدون کوچکترین بازگشت یا عدول از اصول و احکام اسلام یا اهداف اولیه انقلاب و قانون اساسی، سیاست عمومی و رفتار و روابط جمهوری اسلامی در برابر ملت ایران و مسلمانان و ممالک جهان از حالت ضدیت و خصومت و قصد براندازی و فتنه‌انگیزی خارج شده بر پایه قرآن و سنت و عترت رسول خدا، در راه خدمت و خیر رساندن به عالم انسانیت و همکاری صادقانه علیه ستم‌کاری و جنگ استوار گردد. خط مشی عدالت و وحدت و احسان و رعایت حقوق و قوانین اساسی و تعهدات بین‌المللی را اتخاذ کرده، به حاکمیت ملتها و دولت‌ها در قلمروهای قانونی مربوط احترام بگذاریم و نیت و تلاش همگان بر جلوگیری از تجاوز و پشتیبانی از تجاوزشدگان در هر زمان و مکان استوار گردد. به جای بداندیشی و بدگویی‌های تکراری و در عوض دعوت به دشمنی و تقویت یأس و کینه‌جوئی، با خوش‌بینی و آینده‌نگری و توکل بر مبدا رحمت و حق خود را بیش از پیش وارد جرگه‌های همکاری و همزیستی و در جوامع بین‌المللی کرده، به صورت جمعی، علنی و قانونی به مقابله با تجاوزپیشگان و مطالبه حقوق خودمان و دیگران بپردازیم.

همانند شوروی بعد از انقلاب اکتبر و نیز ملت‌های شکست خورده و زخم دیده آلمان و ژاپن بعد از جنگ دوم جهانی که شیوه‌های مثبت را برگزیده، با صبر و فعالیت به ترمیم نقاط ضعف و خرابی‌ها و ترقی کشورهایشان و افزایش تولید و توان خودشان پرداخته و کمر حریفشان را شکستند، عمل کنیم.

برخلاف تعلیمات مارکس و سیاست‌های شوروی سابق، کوشش برای صدور فیزیکی و تحمیل انقلاب و یا تبلیغ نادرست اسلام و انقلاب در کشورهای همسایه و نقاط دیگر جهان نورزیده و جدال و جنجال علیه اسلام و ایران بر نیانگیزیم، بلکه با الگو گرفتن از رسول خدا (ص) و به حکم «و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً»<sup>۱</sup> تلاش کنیم که امت میانه‌روی شاهد و واسطی باشیم و کشور و ملتمان نمونه عدالت، رفاه معقول و سعادت شود تا دیگران به طور طبیعی و از روی میل و اشتیاق به سوی ما و انقلابمان روی آورند و از افکار و اعمالمان الگو بگیرند. رسول خدا نیز جز دعوت آزادانه به سوی خدا و تذکر و ابلاغ (نه تبلیغ و تحمیل) ماموریتی نداشته و غیر از الگو شدن و راهنمایی کاری نکردند.

\* \* \*

---

۱. بقره / ۱۴۳ - و ما بدین‌سان شما را امتی میانه و معتدل (در گفتار و کردار) قرار دادیم تا برای جهانیان الگو و نمونه باشید چنانکه پیغمبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید.



و اما به تفصیل و تفکیک، پیشنهادهای زیر را عرضه می‌کنیم:

## ۱- در داخل کشور و در برابر ملت ایران

حاکمیت با همه اقشار ملت که مالکان و حاکمان اصلی کشورند صمیمانه و صادقانه عمل کرده و قیومیت و انحصارگری و تبلیغات غیرواقعی را کنار بگذارد؛ راه عدالت در پیش گرفته، آزادی‌ها و حقوق قانونی ملت و به ویژه ارزش‌های انسانی برابری و برادری را برای همگان رعایت نماید. بدیهی است که با یاغیان و تجاوزگران و مجرمان باید برخورد قانونی بشود ولی نه از روی کینه‌ورزی و خارج از حدود قصاص و عفو. اگر ما به وحدت و صمیمیت روزهای قبل از پیروزی انقلاب برنگردیم جز سرنگونی و نابودی برای حاکمیت و ملت بهره‌ای نخواهیم داشت. تنها با دادن آزادی و حقوق قانونی به ملت می‌توان انتظار همکاری صمیمانه، فراگیر و همه جانبه ملت و نجات از بن‌بست‌ها و پرتگاه‌های کنونی یا آینده را داشت. بیایید با مخالفان ملی و مذهبی خود و نیروهای مبارز اعلام صلح و آشتی کنید. خیل عظیم آوارگان پراکنده در جهان و نیروهای انسانی ارزنده متخصص و مدیر را با دادن امان‌نامه و مطمئن ساختن آنان از این‌که مزاحمت و طرح دعوا و خصومتی علیه آنان نشده و اموال قانونی‌شان به آنها باز پس داده خواهد شد به آغوش میهن و خانه و کاشانه خود بازگردانید تا با دلگرمی و محبت و بکار انداختن استعدادها و سرمایه‌های‌شان در استخدام و استفاده ایران قرار گیرند.

## ۲- در خارج از کشور و در برابر ملت‌ها و دولت‌های مسلمان

آنگاه که در مورد بند اول موفق شدیم و توانستیم که نظم و سامانی خداپسندانه به روابط درونی خودمان بدهیم، به سراغ خارج از کشور برویم، اختلافات مسلکی یا سیاسی و ملی را دست‌آویزهایی برای جدایی و جنگ قرار ندهد، در پی بدگویی و آزار دیگران برنیاییم. به حکم «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»<sup>۱</sup> سازش و همکاری همراه با درایت و دوستی و محترم شمردن حقوق و حدود و حاکمیت کشورها را بر بداندیشی و بدگویی و قهر ترجیح دهیم. انتظار نداشته باشیم که دیگران در هر کار مانند ما فکر کنند و عمل نمایند. البته باید از مبارزات حقلطلبانه ملت‌ها و مقاومت‌های فداکارانه آنان پشتیبانی عقیدتی و عملی بکنیم ولی مواظب باشیم که کاسه داغتر از آش نشده، از آنچه اکثریت آنها برمی‌گزینند جلو نزنیم و در طرفداری از ملت‌ها و صاحبان حق، موضع‌گیری‌های خصمانه علیه دولت‌ها ننماییم. در هر حال «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ» و نیز جدال احسن را مدنظر داشته باشیم.

در زمینه رفع اختلافات مذهبی و مناقشات فرقه‌ای که غده چرکین امت‌های توحیدی، مخصوصاً مسلمانان، بوده است نه تنها با گفتار و تظاهر بلکه با کردار صادقانه و تحبیب و تالیف قلوب نقش مفید و موثر ایفا کنیم.

یک بار قبل از زمان عبدالناصر، علمای مصر و جامعه الازهر، «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را به منظور نزدیک ساختن مسلمانان پیرو مذاهب مختلف پایه‌گذاری کردند و می‌دانیم که چه گام‌های مؤثری در این راه برداشته شد که یکی از آنها به رسمیت شناخته شدن فقه جعفری (شیعه) بود. اکنون شما نیز بیایید با احیاء و گسترش چنان نهادی تفاهم و همکاری بیشتر و مؤثرتر با دانشمندان و مقامات دینی فرقه‌های

۱. ال عمران / ۱۰۳ - و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید.

مذهبی ایجاد نموده، هم وحدت و برادری عمیق در امت محمدی برقرار سازید و هم از منازعات و تحریکاتی که هر از چند گاهی به بهانه‌های مختلف برای ایجاد تفرقه میان سنی و شیعه روی می‌دهد و بر اثر عصبیت‌های خودی و توطئه‌های بیگانه، کار به بمب‌گذاری و بدتر از آن می‌کشد، جلوگیری کنید.

در زمینه سیاسی و اختلافات ارضی و غیره نیز اگر ایران پیش قدم شده، برای تأسیس نهادهای دائم به منظور طرح و بررسی و ایجاد تفاهم درباره مسائل و منافع مشترک، صمیمانه از کلیه کشورها و ملت‌های مسلمان دعوت کند، بسیاری از مشکلات و منازعاتی که در حال حاضر رخ می‌دهد یا اصلاً پیش نخواهد آمد و یا در صورت بروز، آسان‌تر و زودتر حل خواهد شد.

چرا کشورهای اسلامی امت واحدی تشکیل نداده یا لاقل نهادها و مجامعی نظیر سازمان ملل متحد، شورای امنیت، کمیسیون حقوق بشر، دیوان داوری لاهه و ... برای خودشان نداشته باشند؟ و چرا جمهوری اسلامی ایران که خود را به پیروی از بنیانگذار آن، مقتدا و محرک مسلمین جهان می‌داند دعوت کننده برای تشکیل چنین نهادهایی - بدون کنارگیری از نهادهای موجود بین‌المللی - نباشد؟

با حضور و شرکت فعالانه در چنین مجامع و تشکلهایی، اعم از دینی و اعتقادی و یا سیاسی و اداری، امید زیادی خواهد رفت که هم با شنیدن اعتراضات یا نظرات دیگران، متوجه جهل و خطاهایمان شویم و هم بتوانیم اشکالات و ایرادهایی را که بر دیگران وارد است به صورت بهتر و مؤثرتر مطرح کنیم و نیز در حد امکان، جلوی دعوای ننگین و کشتارهای اسفانگیزی را که در کشورهای اسلامی روی می‌دهد بگیریم.

### ۳- در برابر سایر کشورهای جهان و ابرقدرتها

فراموش نکنیم که همه مردم جهان انسانند و فرزند آدم. یعنی همگی خانواده واحدی را تشکیل می‌دهیم که در خانه مشترکی به نام زمین زندگی می‌کنیم. هر چه تمدن به پیش می‌رود ارتباطات بین آحاد بشر، اتصال سرنوشت‌ها و ضرورت همکاری‌ها بیشتر می‌گردد. ما نمی‌توانیم و نباید جدا از دیگران و بی‌اعتنا نسبت به آن باشیم. اگر مواضع خصمانه و کینه‌توزانه در برابر دیگران اتخاذ کنیم زیانش بیشتر به خودمان خواهد رسید و از محکوم کردن و نفرت‌انگیزی سودی نخواهیم برد. اسلام هم که امر به دشمنی با خلق خدا نکرده، کتابش منادی «یا ایها الناس...»، پیامبرش «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ» و امتش «خَيْرٌ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...» می‌باشد.

البته در برابر سایر ملت‌ها و کشورها، به ویژه پیشرفته‌ها و ابرقدرتها، نباید ضعف و خودباختگی یا تسلیم و تمنا نشان دهیم، حرف‌مان را با صراحت نزنیم و از حیات و حقوق‌مان شجاعانه دفاع نکنیم. حتی، همان طور که آنها سال‌هاست که بر روی آیین، فرهنگ و اوضاع و احوال ما تحقیق و تفحص می‌کنند و از این آگاهی‌ها و اکتشافات‌شان بهره‌های زیادی می‌برند، چرا ما روی آنها کار و مطالعه نکنیم و راه‌های ارتباط و استفاده را نجوییم؟ کما اینکه تا کنون از علوم، افکار، اختراعات، اکتشافات و مصنوعاتشان فایده‌های زیادی نصیبمان شده است. البته تهاجم و غارتگری از ناحیه استعمارگران و ابرقدرتها زیاد وجود داشته است که مقداری ناشی از فطرت و عادت بشری، مقداری ناشی از خیانت‌ها و تقصیرهای خودمان و مقداری هم نتیجه ضعف و ناتوانی یا عدم وجود جوش و جنبش سازندگی در ما بوده است. معذک چنین نیست که انصاف و عدالت یا منطق و مصلحت‌اندیشی از میان آنان رخت بر بسته، همه سراپا عناد و سوء نیت بوده، زبان به حق‌گویی و دفاع از حقانیت‌ها نگشوده، گام‌هایی به سود ملت‌های زیر ستم

و استعمار برداشته و کتاب‌ها در رد و رفع اتهامات علیه اسلام و اثبات اصالت و کرامت آن ننوشته باشند. لازم است که شیوه‌های بدگویی و بدخواهی یا لجبازی و ناروایی‌های ناشی از ضعف و زبونی را ترک کنیم و با ورود و مشارکت در مجامع و نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی بین‌المللی بیش از پیش به ایجاد ارتباط و همکاری در حل مسائل و مشکلات جهانی بپردازیم. بدین گونه، دفاع از حقوق خودمان و بیان نظرات و دعوایمان به وجه شایسته‌تری انجام خواهد یافت و به توطئه‌ها، دسیسه‌ها و مطامع قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها آگاه‌تر خواهیم شد. اما نباید به خاطر اعتراض به خطاهای دیگران و حفظ حقوق خودمان در چنین مجامعی حضور یابیم و تخلف‌های دیگران را مجوزی برای خلف عهدهای خود قرار دهیم، بلکه باید هدفمان برقراری عدالت و احقاق حقوق عام باشد. حتی باید بخواهیم و بکوشیم که فصل جدیدی در همکاری‌های ملتها برای جلوگیری از توطئه‌ها و دخالت‌های برخی از دولت‌ها در کشورهای دیگر باز شده، راه‌های تروریسم و شیوه‌های ناجوانمردانه و فجیعانه بسته گردد.

خوشبختانه امروزه بر اثر آزادی افکار، اجتماعات و سهولت ارتباط بین ملت‌ها، زبان‌های گویا، گوش‌های شنوا و تشکل‌های دفاع از حقوق پایمال شده ملت‌ها خیلی بیش از گذشته وجود دارد. بیش از پیش افراد و گروه‌های انسان دوست، حق‌جو و خیرخواه داوطلب دفاع و خدمت‌گزاری و فداکاری می‌شوند و راه برای ارائه حقایق و واقعیات و مطالبه حقوق بازتر شده است.

\* \* \*

آیا نباید در برابر شایعه شیطانی جدید و موج آتشین و وسیعی که علیه مسلمانان به راه انداخته، اسلام را «خطر جهانی» معرفی کرده و به استناد پاره‌ای حرکات و عملیات ناروا در انقلاب‌ها و نهضت‌های آزادی بخش، اسلام را مساوی تروریسم و مخالف دموکراسی، آزادی، امنیت و آبادی قلمداد نموده، بخش وسیعی از جهان را تشنه خون و خواهان نابودی ما می‌کنند، کاری کرد و چنین تصور نمود که با تکذیب و شکایت یا تشدید خصومت و قرار گرفتن در اردوی دشمن عقده‌ها گشوده خواهد شد؟ آیا بهتر نخواهد بود که ما نیز در رسانه‌های جمعی بیگانگان وارد شویم و مجالس و محافل مشترک تشکیل دهیم تا طرف‌های درگیر بتوانند منصفانه و محققانه دلایل و دعوای خود را مطرح کنند، اتهامات، تبلیغات و توطئه‌های پشت‌پرده روشن شود و خواسته‌ها و دلایل حقانیت نهضت‌ها بیان گردد و بالاخره مبرا بودن اسلام و سایر ادیان الهی از چنین نسبت‌ها و برعکس، پیشگام بودن ادیان مذکور در زمینه‌های آزادی، انسانیت و عدالت با استناد به اعترافات و اظهارات بزرگان غیر مسلمان یا غیر مذهبی ثابت شود، ضمن آن که اعتراضات و ایرادهای طرف‌های مقابل نیز شنیده شده و راه‌های تفاهم و سازش جستجو گردد و به طور خلاصه، همان طور که قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی راهنمایی کرده‌اند همگان برای برقراری آزادی، عدالت، صلح و امنیت در جهان و برادری بشریت هم‌صدا و هم‌گام شویم؟

إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخَبِّتْ أَعْدَاءَكُمْ

نهضت آزادی ایران